

فجر وجود نداشته است. چهره‌های سینمایی حالاً نزد مردم هم شناخته شده هستند؛ محسن مخملباف با دواثر «بایسکل‌ران» و «عروسی خوبان» به این دوره آمده و مسعود جعفری جوزانی با مهم‌ترین اثرش «در مسیر تندباد» در آن حضور دارد. اما مهم‌ترین اثر «دیده‌بان» است که هنوز کسی پیش نمی‌کند که سازنده‌اش و خود این اثر در آینده چه نقشی در سینمای ایران خواهد داشت. ابراهیم حاتمی‌کیا متولد می‌شود. حضور «نار و تی» سعید ابراهیمی هم نشان می‌دهد که گردانندگان جشنواره تلاش می‌کنند همه رویکردها را بازی دهند.

هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۶۸

کشور پس از ۱۴ خرداد مهم‌ترین چالش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را پس از رحلت حضرت امام خمینی (ره) از سر گذرانده و چند ماهی است که فرهنگی‌ترین چهره سیاسی نظام در جایگاه ولی فقیه قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب را سینماگران و اهالی فرهنگ و هنر کشور از دوره ریاست جمهوری ایشان، خوب می‌شناسند اما پس از قرار گرفتن در جایگاه رهبری هم این ارتباط و تعامل دوسویه، در سطح بالاتری ادامه یافت. با تمام این‌ها روشن است که کشور دوره‌ای جدید را آغاز کرده و جشنواره فیلم فجر به عنوان مهم‌ترین رویداد فرهنگی و هنری ایرانی، خواه ناخواه باید در پیشانی حرکت فرهنگی این دوره تازه قرار بگیرد. حوزه هنری با محوریت سیدمرتضی آوینی در سینمای داستانی هم پیش‌رفته که نماینده آن ابراهیم حاتمی‌کیاست و امسال با فیلم «مهاجر» در جشنواره حضور دارد. اما حضور «هامون» داریوش مهرجویی، «کلوزآپ» عباس کیارستمی، «مادر» علی حاتمی و «تمام وسوسه‌های زمین» حمید سمنوریان چهره‌های هنری تری به جشنواره فجر بخشیده و نشان می‌دهد که سینما می‌خواهد به آرامی از کنار روزهای سخت جنگ و بحران عبور کند و دست کم به‌ظاهر بیشتر به فکر هنر و سینما باشد. مسعود کیمیایی هم با «دندان مار» تلاش می‌کند در سینمای پس از انقلاب، نماینده همان جریان قصه‌گویی و در عین حال اندیشمندی باشد که پیش از انقلاب هم تلاش داشت میان موج نو و فیلمسازی پل بزند.

شانزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۷۶

عصر سازندگی به پایان رسیده و انتخابات دوم خرداد، ایده‌اصلاحات و آزادی را در فضای روانی و فرهنگی جامعه رواج داده است. اما همه واکنش‌ها به این تغییرات مثبت نیست و سینما با پرچمداری جشنواره فجر تلاش می‌کند نماینده همه رویکردها به این

تغییرات باشد. ابراهیم حاتمی‌کیا با «مهم‌ترین اثر» ای لیل عاشق جز برای شقایق‌ها مخوان! در گوشش با فیلم «آژانس شبشه‌ای» به جشنواره آمده است. زمزمه‌ای از سید مرتضی آوینی که حالا ۵ سال است او را «سید شهیدان اهل قلم» می‌خوانند. او تغییرات فضای اجتماعی و سیاسی کشور را به نقد می‌کشد و جشنواره فیلم فجر نقدهای او را به نمایش می‌گذارد و البته در خور جایزه می‌داند. داریوش مهرجویی با «درخت گلابی»، رخشان بنی‌اعتماد با «بانوی ار دبیهشت»، داوود میرباقری با «ساحره» و بهروز افخمی با «جهان پهلوان تختی» یکی از متنوع‌ترین ادوار را برای جشنواره به ارمان می‌آورند و مجتبی راعی، «تولد یک پروانه» مهم‌ترین و ماندگارترین اثر دوران فیلمسازی خود را به همین دوره جشنواره عرضه می‌کند. اما تحولات سیاسی و اجتماعی همان اندازه که بر رویکرد آثار حاضر در جشنواره تاثیر گذاشته خبر از ایجاد تغییراتی در رویکرد گردانندگان و داوری‌ها می‌دهد که به زودی در آینده جشنواره بیشتر برون‌ریزی خواهد داشت.

بیست‌وسومین دوره جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۸۳

پایان دوره اصلاحات، نزدیک است و این آخرین دوره جشنواره فجر است که توسط وزارت ارشاد احمد مسجدجامعی برگزار می‌شود. انتقادات نسبت به وضعیت فرهنگی و اجتماعی به شدت بالا گرفته و دولت هشتم تلاش می‌کند در آخرین جشنواره‌اش از فرصت استفاده لازم را جهت تعدیل نگاه‌ها ببرد و همزمان هوادارانش را راضی نگه دارد. از این جهت، فیلم‌هایی را اکران می‌کند و بعضاً تا چند سال بعد توقیف می‌مانند و به اکران نمی‌رسند. رواج پدیده‌ای به نام «سینمای معناگرا» در سال‌های منتهی به این دوره، بخشی با همین نام را به مسابقه سینمای بین‌الملل ملحق می‌کند و از قضا با همین رویکرد، دو فیلم «خیلی دور خیلی نزدیک» رضا میرکریمی و فیلم «بید مجنون» مجید مجیدی موفق به کسب بیشترین جوایز از جشنواره می‌شوند. گفتن اصلاحات بر خلاف رویه اجتماعی خود در صحنه سینما و دست‌کم برای پایان دوره‌اش، فیلم‌های سیاسی را خط می‌زند و به سمت سینمای معناگرا حرکت می‌کند و شاید از همین روست که اکران «به رنگ ارغوان» ابراهیم حاتمی‌کیا چند روز مانده به رسیدن به پرده جشنواره فجر از سوی نهادهای امنیتی تعلیق می‌شود. کیانوش عیاری هم با مستندی درباره زلزله بم به جشنواره می‌آید و جایزه هیئت داوران را هم از آن خود می‌کند اما مستند تا یک دهه بعد توقیف باقی می‌ماند. فیلم‌ها به روشنی به دغدغه‌ها و مسائل زنانه در قالب ملودرام‌ها نزدیک‌تر شده‌اند و شاید اوج این ماجرا در



پایان دوره اصلاحات، نزدیک است و این آخرین دوره جشنواره فجر است که توسط وزارت ارشاد احمد مسجدجامعی برگزار می‌شود. انتقادات نسبت به وضعیت فرهنگی و اجتماعی به شدت بالا گرفته و دولت هشتم تلاش می‌کند در آخرین جشنواره‌اش از فرصت استفاده لازم را جهت تعدیل نگاه‌ها ببرد و همزمان هوادارانش را راضی نگه دارد. از این جهت، فیلم‌هایی را اکران می‌کند و بعضاً تا چند سال بعد توقیف می‌مانند و به اکران نمی‌رسند

همین دوره اتفاق افتاده باشد. «زن زیادی» تهمینه میلانی، «کافه ترانزیت» کامبوزیا پرتوی، «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» علی رفیعی و «دیشب با تو دیدم آیدا» رسول صدرعاملی تنها برخی از این فیلم‌ها هستند که با داوری‌ها و جوایز هم راه می‌یابند. جشنواره اما در بحبوحه تغییر رویکرد از دولتی در انتهای چپ سیاسی به دولتی در انتهای راست سیاسی به حیات خود ادامه می‌دهد.

بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۸۸

رویه توقیف‌زدایی از عرصه فیلم‌سازی در دولت نهم بر خلاف حرف‌و‌حدیث‌ها رشد کرده و پای‌التباهاتی که از خرداد و پس از انتخابات آغاز شده به بهمن ماه هم باز شده است. مجموعه وزارت ارشاد تلاش دارند تا از فرصت جشنواره برای باز کردن فضای فرهنگی استفاده کنند و اعتماد تخریب‌شده دولت را به آن بازگردانند. اما دوقطبی موجود در فضای سیاسی و اجتماعی علی‌الخصوص جامعه هنرمندان را چند پاره کرده و روی تصمیم آن‌ها برای حضور در جشنواره اثر گذاشته است. راه‌اندازی کاخ جشنواره یا همان سینمای اصحاب رسانه و برگزاری نشست‌های خبری، جارا برای حواشی بازتر می‌کند. ابراهیم حاتمی‌کیا که سال گذشته با «دعوت» جنجالی شده امسال هم با «به رنگ ارغوان» به جشنواره می‌آید و با سه سیمیرغ بهترین کارگردانی، بهترین فیلم و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران به خانه می‌رود و قرار است سال بعد هم «گزارش یک جشن» را با فضای انتباهات همین سال به جشنواره بیاورد؛ اثری که دیگر هرگز روی پرده اکران نخواهد دید. «طلا و مس» همایون اسعدیان، «چهل سالگی» علیرضا رئیسیان، «تسویه حساب» تهمینه میلانی و «آل» پهرام پهرامیان، هر کدام به نحوی تلاش می‌کنند خلاف وجه غالب باشند و در حدود ممکن قالب‌های جاافتاده را دور بزنند یا بشکنند. «ملک سلیمان» شهریار بحرانی اولین ساخته سینمای ایران از جنس سینمای تاریخی بیگ پروداکشن است که حواشی گوناگون در باره هزینه‌هایش مدتی نامش را روی زبان‌ها انداخته اما نهایتاً اکرانش در جشنواره برخی نظرات را به آن جلب می‌کند. جشنواره بیست و هشتم، متنوع‌ترین و پرتیرین از سینمای ایران را در حالی به نمایش می‌گذارد که جدال‌های سیاسی در کف خیابان هنوز در جریان است و بازیگرانی که تا پیش از این جدال‌ها، چهره‌های محبوب عموم مردم محسوب می‌شدند حالا با سوگیری‌های سیاسی‌شان در حال جاگیری نسبت به گروه‌های مختلف مردمی و طبعاً حاکمیت هستند. جو سال ۸۸ و جشنواره فجر برآمده از آن، ترکیب فرهنگی-سیاسی در سینمای